

به کجا چنین شتابان؟!

نگاهی به فرهنگواره «کارنمای زنان کارای ایران»

• اعظم‌السادات قاسمی
نویسنده و آموزگار

این کتاب، ابتدا در دو جلد و در حجمی بزرگ‌تر با نام دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان در ۲۰۸۷ صفحه توسط انتشارات زریاب در سال ۱۳۷۸ و با کمی بیش از ۲۰۰۰ مدخل منتشر گردیده‌است. از میان کمی بیش از ۲۰۰۰ مدخل آمده در دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان، هیچ کدام، متکی بر منابع و مأخذ نیست. فقط در آخر جلد دوم آن، کتابنامه ضعیفی آمده که مشتمل بر ۱۰۷ عنوان است.

خانم پوران فرخزاد پس از چاپ این اثر بر آن می‌شود که بخش زنان ایران را از آن جدا کرده و با برخی افزودنی‌ها، کتاب جدیدی با عنوان کارنمای زنان کارای ایران ارائه نماید و خود در این باره می‌گوید: «... کار را آغاز کردم، نه چون گذشته، بل با دیدی ریزتر و تیزتر، کنجکاوی‌های بیشتر و حوصله‌ای فزون‌تر، در زندگانی زنان نخبه ایران زمین از ابتدا تا به امروز؛ چه اسطوره‌ای، چه تاریخی، چه حکمروا، چه محدث و روایت‌گر و مکتب‌ساز، چه شاعر، چه جزوه‌نویس، چه نقاش و تندیسگر و خوشنویس، چه سیاست‌گرا و جامعه‌ساز، چه داستان‌پرداز و پژوهشگر غور کردم و در بررسی‌های جدید بود که بیشتر و بیشتر به کمی‌ها و کاستی‌های کارم پی بردم» (ص ۱۱-۱۲).



• پوران فرخزاد. کارنمای زنان کارای ایران (از دیروز تا امروز)، چاپ دوم: تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱، ۱۰۱۲ صفحه، وزیری.

تعداد مدخل‌ها و دوره تاریخی

با کنکاش و شمارشی که در تعداد مدخل‌های کارنمای زنان کارای ایران صورت گرفت، دریافتیم که این کتاب مشتمل بر ۱۷۲۲ زندگینامه و یا به عبارتی روشن‌تر، دربرگیرنده ۱۷۲۲ مدخل یا عنوان ورودی است که ۶۴ مدخل آن مربوط به قبل از اسلام و ۱۶۱۹ مدخل آن مربوط به بعد از اسلام است.

زندگینامه زنان قبل از اسلام
- اساطیری: ۳۹ مدخل

کارنمای زنان کارای ایران، فرهنگواره‌ای یک جلدی است که با هدف اطلاع‌رسانی درباره شخصیت‌های برجسته زن ایرانی به چاپ رسیده‌است. مؤلف در مقدمه کتاب درباره این اثر می‌گوید: «کتابی که به نام کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز در دست دارید، دربرگیرنده زندگینامه زن ایرانی، از والاترین نماد مادینه آریایی، آن‌هیتای سپنتایی، تا گروه عظیمی از زنان بیدار، هوشیار و ارجمند ایران امروز چه در داخل، چه در خارج، در رشته‌های اجتماعی، سیاسی، ادبی و هنری است» (ص ۱۲).

در کارنمای زنان کارای ایران از صدها بانوی سیاستمدار و روزنامه‌نگار معاصر، و صدها بانوی عالم و دانشمندی که در دوره اخیر در حوزه‌های علمیه به تدریس اشتغال دارند و ده‌ها کتاب تألیف نموده‌اند غفلت شده است

(۳): ۱۳۶۰؛ (۳): ۱۳۶۲؛ (۲): ۱۳۶۴؛ (۱): ۱۳۶۵؛ (۱): ۱۳۶۷؛ (۱).
با توجه به شناسنامه کتاب کارنمای زنان کارای ایران که به سال ۱۳۸۱ انتشار یافته، درمی‌یابیم که، ۹۸۳ زن یاد شده در این کتاب، یعنی متولدان سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۶۷، در صورتی که جملگی در قید حیات بوده باشند؛ در زمان انتشار کتاب، ۱۵ تا ۹۷ ساله بوده‌اند. با توجه به ۱۹۶ مدخل دیگر کتاب که آنان نیز از معاصران و در همین فاصله سنی به سر می‌برده‌اند، می‌توان دریافت ۱۱۷۹ زن یاد شده در این کتاب، از معاصران و سن آنان ۱۵ تا حدود صد سالگی بوده‌است.

- پیش از تاریخ: ۵ مدخل
- پیش از میلاد: ۴ مدخل
- دوره اشکانی: ۵ مدخل
- دوره باستانی: ۳ مدخل
- دوره ساسانی: ۲۲ مدخل
- دوره ماد: ۱ مدخل
- دوره هخامنشی: ۲۳ مدخل
- قرن سوم میلادی: ۱ مدخل

زندگی‌نامه زنان بعد از اسلام

- قرن اول تا اواسط قرن چهاردهم هجری قمری: ۴۰۹ مدخل

- زمان زندگی نامعلوم: ۳۱ مدخل

- معاصر ۱۱۷۹ مدخل که در مقابل ۱۱۶ عنوان آن نوشته شده «معاصر» و ۸۰ عنوان آن نیز متعلق به معاصران در قرن چهاردهم بوده و مابقی نیز یعنی ۹۸۳ مدخل، زانی هستند که سال تولد آنان ۱۲۸۴ تا ۱۳۶۷ شمسی قید شده‌است. در سطور ذیل، سال تولد و تعداد زندگی‌نامه زنان هر سال را مشخص نموده‌ایم:

۱۲۸۴ (۳ مدخل): ۱۲۸۵ (۷ مدخل): ۱۲۸۶ (۳ مدخل):
۱۲۸۷ (۱): ۱۲۸۸ (۴): ۱۲۸۹ (۱): ۱۲۹۰ (۴): ۱۲۹۱ (۵):
۱۲۹۲ (۳): ۱۲۹۳ (۴): ۱۲۹۴ (۴): ۱۲۹۵ (۳): ۱۲۹۶ (۳): ۱۲۹۷ (۳):
۱۲۹۸ (۷): ۱۲۹۹ (۹): ۱۳۰۰ (۴): ۱۳۰۱ (۱۶): ۱۳۰۲ (۳):
۱۳۰۳ (۷): ۱۳۰۴ (۳): ۱۳۰۵ (۱۱): ۱۳۰۶ (۱۰): ۱۳۰۷ (۹):
۱۳۰۸ (۱۳): ۱۳۰۹ (۹): ۱۳۱۰ (۱۷): ۱۳۱۱ (۶): ۱۳۱۲ (۱۹):
۱۳۱۳ (۸): ۱۳۱۴ (۹): ۱۳۱۵ (۱۴): ۱۳۱۶ (۱۱): ۱۳۱۷ (۱۷):
۱۳۱۸ (۱۹): ۱۳۱۹ (۱۳): ۱۳۲۰ (۱۳): ۱۳۲۱ (۱۵): ۱۳۲۲ (۲۹):
۱۳۲۳ (۲۰): ۱۳۲۴ (۲۹): ۱۳۲۵ (۱۸): ۱۳۲۶ (۳۴): ۱۳۲۷ (۲۰):
۱۳۲۸ (۲۷): ۱۳۲۹ (۲۶): ۱۳۳۰ (۲۰): ۱۳۳۱ (۲۴): ۱۳۳۲ (۲۵):
۱۳۳۳ (۳۵): ۱۳۳۴ (۲۵): ۱۳۳۵ (۲۱): ۱۳۳۶ (۱۸): ۱۳۳۷ (۱۹):
۱۳۳۸ (۲۰): ۱۳۳۹ (۱۸): ۱۳۴۰ (۲۲): ۱۳۴۱ (۲۸): ۱۳۴۲ (۲۱):
۱۳۴۳ (۱۵): ۱۳۴۴ (۱۶): ۱۳۴۵ (۱۱): ۱۳۴۶ (۱۶): ۱۳۴۷ (۱۲):
۱۳۴۸ (۱۸): ۱۳۴۹ (۱۳): ۱۳۵۰ (۱۶): ۱۳۵۱ (۹): ۱۳۵۲ (۱۳):
۱۳۵۳ (۱۵): ۱۳۵۴ (۸): ۱۳۵۵ (۶): ۱۳۵۶ (۷): ۱۳۵۷ (۸): ۱۳۵۸

منابع و مأخذ:

با نگاهی به منابع این کتاب که در صفحات ۹۴۷ تا ۹۵۲ آمده در می‌یابیم که این کتاب از فقر منابع در رنج است، زیرا برای معرفی زنان ایران «از والاترین نماد مادینه آریایی، آناهیتای سپنتایی، تا گروه عظیمی از زنان بیدار، هوشیار و ارجمند ایران امروز چه در داخل، چه در خارج، در رشته‌های اجتماعی، سیاسی، ادبی و هنری» (ص ۱۲) و یا به عبارتی دیگر برای معرفی زنان ایران «چه اسطوره‌ای، چه تاریخی، چه حکمروا، چه محدث و روایت‌گر و مکتب‌ساز، چه شاعر، چه جزوه‌نویس، چه نقاش و تندیس‌گر و خوشنویس، چه سیاست‌گرا و جامعه‌ساز، چه داستان‌پرداز و پژوهشگر» (ص ۱۱-۱۲)، فقط ۱۲۰ عنوان کتاب مورد استفاده قرار گرفته و آن نیز معلوم نیست از کدام کتاب در چه جایی استفاده شده‌است، زیرا هیچ یک از ۱۷۲۲ زندگی‌نامه مندرج در این اثر، متکی بر اسناد نیست.

بنابراین باید گفت، دریغ که این کتاب بصورت انباری از اطلاعات درآمده و متأسفانه متکی بر مستندات که بتوان با مراجعه به آن به صحت و سقم نوشته‌های آن اعتماد حاصل نمود، نیست. بدیهی است نویسنده این اثر، چهره گمنامی نیست؛ ولی این آشنایی، دلیلی بر وحی منزل بودن نوشته‌های وی نخواهد بود. در دنیای پژوهش و تحقیق، حسب و نسب راه ندارد.

سواد و دانش جامعه امروز، با سواد و دانش ایران در دهه‌های سی و چهل دگرگونی‌های بسیاری را از سر گذرانده‌است. در آن سال‌ها هنوز و تا حدودی شفاهی‌نویسی، رونقی داشت. یک آدم موثق می‌توانست بی‌آنکه نامی از منابع و مأخذ خود ببرد

قلم افتاده‌اند که بیان نام آنان به تطویل این مقال می‌انجامد. نام و نشان بسیاری از زنان ایرانی بعد از اسلام که زمان

حیاتشان تا یک قرن قبل از این بوده به نسیان رفته‌است. در خصوص زنان معاصر ایران نیز که در یک قرن اخیر می‌زیسته‌اند باید گفت، آیا سوای زنان یاد شده در این کتاب، زنان برجسته دیگری در این مرز و بوم حضور نداشته‌اند؟! اگر قصد بر آن بوده‌است که کارنامی زنان کارای ایران ارائه شود، آیا صدها بانوی سیاستمدار و روزنامه‌نگار معاصر، و صدها بانوی عالم و دانشمندی که در دوره اخیر در حوزه‌های علمیه به تدریس اشتغال دارند و ده‌ها کتاب تألیف نموده‌اند نایستی مورد توجه قرار می‌گرفتند. چگونه می‌شود که از چند دخترک نوجوان صاحب درایت یاد می‌شود، ولی از صدها همچون آنان غفلت ورزیده می‌شود. بنا بر شمارشی که از تعداد مدخل‌های کتاب انجام گرفت و در سطور آغازین این نوشتار نیز مذکور افتاد؛ از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۷ فقط و فقط ۱۹ نفر در سن ۱۵ تا ۲۵ سالگی از این نعمت برخوردار بوده‌اند که نامشان در این کتاب گنجانده شود. آیا برآستی جامعه زنان ما در سن ۱۵ تا ۲۵ سالگی فقط همین تعداد کارا و کارآمد داشته، و یا این که نویسنده در تولید اثر، بسیار عجول عمل کرده و صدها نفر را از قلم انداخته‌است. دوتن از جوان‌ترین افرادی که از آنان یاد شده، یکی متولد ۱۳۶۷ شمسی است که «صوفی سادات مصطفوی کاشانی» نام دارد و در زمان چاپ کتاب پانزده ساله بوده و شاعر؛ و دیگری «ملیکا شریفی‌نیا» متولد ۱۳۶۵ ش هفده ساله و نقش آفرین در برخی فیلم‌های سینمایی. آیا در دوره اخیر فقط همین دو دختر جوان با چنین سنی شایستگی نام‌آفرینی داشته‌اند یا این که نویسنده محترم صدها دختر کارا و توانا را از قلم انداخته‌است.

ب- نویسنده علی‌رغم این که خواسته تا کتابی مختص زن ایرانی پدید آورد؛ مع‌الوصف نتوانسته جلوی ورود زنان غیر ایرانی را به کتاب خود بگیرد و از سر اشتباه و ندانم کاری، تعدادی از زنان عرب و کرد غیر ایرانی را با تصور ایرانی بودن به کتاب خود راه داده‌است. عرب‌های غیر ایرانی‌ای که در کتاب راه یافته‌اند: رابعه عدویه (ص ۳۶۰-۳۶۱) و رابعه عسقلانی (ص ۳۶۱).

کرده‌های غیر ایرانی‌ای که در این کتاب از آنان یاد آمده، اکثراً از دختران و یا بستگان صلاح‌الدین ایوبی فاتح جنگ‌های صلیبی هستند که اجداد آنان در عهد سلطان محمود سلجوقی در اژان می‌زیسته‌اند و صلاح‌الدین خود از مفاخر عرب و کرد بشمار می‌آید، و قبرش در دمشق در مجاورت جامع اموی قرار دارد. صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۶۷ با برانداختن سلسله خلفای فاطمی مصر، سلسله ایوبیان مصر را پایه‌گذاری کرد که به مدت یک قرن بر آن سرزمین حکم راندند. آیا می‌توان سلسله ایوبیان

بسیار ناگفته‌ها بگویند، ولی امروز موثق‌ترین شخصیت‌های علمی می‌بایست مستندات خود را ذکر کنند. درست است که در جهان امروز، ارائه و کسب اطلاعات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ ولی این به معنای بی‌توجهی به مآخذ نیست. صحت و سقم هر نوشته‌ای را منابع آن مشخص می‌سازد؛ و الاً بسیار می‌توان گفت و نوشت.

جامعه امروز ایران، جامعه‌ای است پویا و دانش محور که تدقیق را لازمه تحقیق می‌شمارد. از این رو باید گفت: کارنامی زنان کارای ایران، بنا بر ضعف منابع و نبود مستنداتی که می‌بایست ذیل هر مدخل آورده می‌شد، توان تغذیه پژوهشگران، دانشجویان و خوانندگان کتاب‌های جدی را ندارد.

به هر رو نمی‌توان از این واقعیت گریخت که رسالت دائرةالمعارف‌نویسی تحت هر عنوانی که باشد باید اطلاع‌رسانی به روش پسندیده و حساب شده و با ارائه اسناد و مدارک باشد. آرزو این است که این سری کتاب‌ها، با اتکا بر اسناد و منابعی متقن و با ابزار و دانش نوین و کارآمد ارائه شوند تا بعدها محققان و پژوهشگران را با موانع و مشکلات جدی مواجه نسازند. مع‌الوصف، کتاب‌هایی از این سری با وجود فقدان منابع و مدارک، چنان که با هدف رواج کتاب‌خوانی در میان مردم عادی و آن نیز با پیرایش صحیح و میرا از اشتباهات ارائه شوند؛ چون مخاطبان آن پژوهشگران، دانشجویان و خوانندگان کتاب‌های جدی نیستند و نویسنده نیز اگر با این رویکرد به ارائه کتاب‌هایی از این سری بپردازد که هدف عمده‌اش رواج کتاب‌خوانی و اشاعه دانش بیشتر در میان مردم باشد؛ در این صورت می‌توان گفت: کتاب‌هایی از این دست نه تنها می‌توانند تأثیر مثبتی بر دانش‌افزایی مردم عادی داشته باشند که بس قابل تحسین و بسیار مقبول و پسندیده خواهند بود.

کاستی‌ها و اشتباهات

الف - به نظر نویسنده این سطور، چنان که مؤلف محترم، در هنگام تهیه و تدوین این اثر، دست از سر شخصیت‌های کهن برمی‌داشت و فقط شخصیت‌های معاصر و مثلاً متولدان سال ۱۳۰۰ یا ۱۳۲۰ به بعد را مورد توجه قرار می‌داد به دلیل معاصر بودن شخصیت‌ها و عدم احتیاج به منابع فراوان، می‌توانست کتاب مقبول‌تری را پدید آورد، زیرا معاصر بودن نویسندگان، امکان اشتباه و خطا را تا حدودی زایل می‌نمود و احتیاج به منابع و مآخذ را به حداقل می‌رساند، زیرا اکثر صاحبان این مدخل‌ها نه تنها در قید حیات که خود و یا نزدیکانشان می‌توانستند مؤلف را در نگارش اثری شفاهی و یا تحقیقاتی میدانی یاری رسانند که این خود آسیب کمتری به کتاب وارد می‌آورد و کتاب شسته و رفته‌تری را در مقابل خواننده قرار می‌داد.

- بسیاری از زنان ایرانی قبل از اسلام، اساطیری یا تاریخی از

باشد، در این زمان پیرزالی ۱۰۷ ساله بوده است. اما کهن ترین مأخذی که از «آتون هروی» خبر داده کتاب جواهرالعجایب تألیف سال ۹۶۳ق است. در این کتاب ضمن آوردن رباعی ای از شوهر وی، رباعی آتون هروی را نیز که در پاسخ شوهرش گفته آورده است (جواهرالعجایب، ص ۱۳۸). برخی منابع، علاوه بر رباعی مندرج در جواهرالعجایب، رباعی دیگری را نیز به وی منسوب نموده اند.

« تاجی بیگم؛ دختر فتحعلی شاه قاجار و همسر یکی از فرمانروایان کردستان از خانواده قدرتمند اردلان ... » (ص ۲۱۵).

به جای این که این زن را با نام اصلی اش یعنی حُسن جهان خانم بشناساند و به تخلص وی «والیه» اشاره نماید، از نامی مجعول که معلوم نیست از کدام کتاب برآمده استفاده شده است.

« رابعه قُرداری، (ص ۳۶۱). مطالبی که درباره این زن بعنوان نخستین زن شاعر پارسی گوی گفته شده، کمتر از یک سوم یک صفحه است.

د - کتاب فاقد ارجاعات است. مثلاً زنی از قرون گذشته که چندین نام داشته، فقط یکی از نام هایش مورد توجه قرار گرفته و از آن مدخل ساخته شده است. قید دیگر نامها بصورت ارجاع به مدخل اصلی رعایت نشده و این خود نشان از کم اطلاعی و یا تولید اثری جهت عوام جامعه دارد.

کوتاه ترین و بلندترین مقاله

کوتاه ترین مقاله «زبیده» نام دارد و متن کامل آن چنین است: «زبیده، (نامعلوم)؛ زبیده نام یکی از زنان حدیث دان و مدرس اصفهان است که نامش در چند تذکره قدیمی به ثبت رسیده است» (ص ۴۰۱).

این نیز یکی از مقالات کوتاه درباره یکی از زنان معاصر است: «سپهوند، خاطره؛ (معاصر): از شاعر معاصر خاطره سپهوند تنها یک دفتر شعر در سال ۱۳۶۹ از سوی انتشارات بهارستان به نام وعده جاری در تهران انتشار یافته است» (ص ۴۲۶).

اما طولانی ترین مقاله، اختصاص به فروغ فرخزاد یعنی خواهر مؤلف دارد که ۴ صفحه است (ص ۵۹۹-۶۰۳). دو مقاله طولانی دیگر نیز وجود دارد که یکی به خود مؤلف یعنی پوران فرخزاد (۵۹۷-۵۹۹) و دیگری به سیمین بهبهانی (۱۶۶-۱۶۹) اختصاص یافته که هر یک ۳ صفحه دارد.

مباد آن که این نقد، نوعی اسائه ادب و یا بی حرمتی به نویسنده اثر تلقی شود، زیرا این نقد فقط انتقاد به شیوه عمل و برنگزیدن طریقه علمی اثر است. در پایان ضمن تقدیر از همتی که در تألیف این اثر بکار رفته، آثار دیگر آن بانوی شاعر را انتظار می برم.

مصر را که بر اثر گذر زمان، هیچ نشانی از اجداد کُرد خود ندارند و در واقع دودمانی عرب شده بشمار می آیند سلسله ای ایرانی به حساب آورد؟ بدیهی است که چنین نخواهد بود. زنان خاندان ایوبی که در این کتاب از آنان یاد شده عبارت انداز: ربیعه خاتون، (ص ۳۶۶)؛ ربیعه کردی، (ص ۳۶۶)؛ زینب کردی، (ص ۴۱۴)؛ شجره الدر، (ص ۴۷۸)؛ عذرا خاتون، (ص ۵۵۰)؛ ضیفه خاتون، (ص ۵۳۰)؛ ملکه خاتون، (ص ۷۷۸)؛ مونسه خاتون، (ص ۷۹۸)؛ نسب خاتون (ص ۸۴۵).

دوره های تاریخی و زمان حیات زنانی که در این کتاب از آنان یاد آمده، یک نظم و روال یکدست را ندارد. مثلاً در مقابل نام عده ای نوشته شده «دوره قاجار»: امین اقدس (ص ۱۲۳)، انیس الدوله (ص ۱۲۸)، حاجیه خانم (ص ۲۶۸) و سلطان خانم (ص ۴۴۰) و در مقابل نام برخی نوشته شده «دوره ناصری»: اشرف السلطنه (ص ۹۳-۹۴) و منظور از دوره ناصری عهد ناصرالدین شاه قاجار است؛ در حالی که همه آن ها در دوره ناصری می زیسته اند.

اصلاً میان هشتمین خلیفه عباسی موسوم به معتصم که از سال ۲۱۸ تا ۲۲۷ خلافت کرد و سی و چهارمین خلیفه عباسی موسوم به الناصر لدین الله که از سال ۵۷۵ تا ۶۲۲ به مدت ۴۶ سال خلافت کرد فرقی قائل نشده است و در مقابل نام زنانی که در این دو دوره می زیسته اند، نوشته است: «دوره عباسی». مثلاً در مقابل نام بشیر (ص ۱۵۶) و سلجوقه خاتون (ص ۴۳۷) نوشته است «دوره عباسی» و حال آن که بشیر در قرن سوم و سلجوقه خاتون در قرن ششم و هفتم می زیسته است.

ج - آنچه در نوشتار ذیل مورد بررسی قرار گرفته ناظر بر برخی عناوین، و مصداق مشمت نمونه خروار می باشد. این کتاب به جهت غیر روشمند بودن و نیز به جهت رعایت نکردن بسیاری از اصول پژوهشی، اثری غیر علمی و تجربه ای ناموفق بشمار می آید که برشمردن مواردی از آن ضروری می باشد.

« آتون هروی؛ وی را موسیقیدان، همعهد با شاهرخ که یک چند نیز در دربار همایون پادشاه باری هند بسر می برده معرفی نموده و گفته است: «از این بانوی پارسی زبان، اشعاری باقی نمانده و تنها نامش به شاعری در تذکره ها به ثبت رسیده است» (ص ۲۱).

در اشاره به آنچه گذشت، یادآور می شود: از موسیقیدانی وی گذشتگان خبری نداده اند. این که وی در عهد شاهرخ تیموری (حک ۸۹۷ تا ۸۵۰) می زیسته، قولی است خلاف، زیرا چنان که بپذیریم در زمان مرگ شاهرخ که به سال ۸۵۰ اتفاق افتاده، وی بیست ساله بوده باشد؛ چگونه می توانسته عهد همایون باری را که از سال ۹۳۷ تا ۹۶۳ حکومت کرده درک نموده باشد، زیرا اگر نخستین سال حکومت همایون باری را نیز درک نموده